جایگاه اقتصاد مقاومتی در اقتصاد اسلامی

علی اکبر ناجی میدانی[۱۶۷]، اعظم عبدالهی[۱۶۸]

چکیده:

مکتب اسلام، به گواهی تاریخ یکی از موفق ترین و کارآمدترین مکاتب برای بنیان نهادن یک جامعه‌ی سالم به شمار می‌رود. در نظام اقتصادی اسلامی، تامین رفاه عمومی و زدودن فقر از سطح جامعه و هم چنین رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، مستلزم داشتن اقتصادی شکوفا و در حال رشد است. اقتصاد مقاومتی راهکاری است که از سوی مقام معظم رهبری برای سر و سامان دادن به وضعیت اقتصادی ایران مطرح شده است. اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تاثیرها می‌باشد و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. این پژوهش به دنبال پاسخ این سوال است که آیا اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصادی اسلام جایگاهی دارد، و در پی این است تا با استفاده از اصول و اهداف نظام اقتصادی اسلام برای تحقق اقتصاد مقاومتی قدمی بردارد. در این پژوهش، روش کار کتابخانه ای است، که با استفاده از روش توصیفی– تحلیلی با تکیه بر مبانی نظری در پی یافتن پاسخ به سوالات خود می باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی مبتنی بر مبانی نورانی قرآن کریم و اهداف نظام اقتصاد اسلامی می‌باشد. به همین دلیل اقتصاد مقاومتی، اقتصادی راهبردی و استراتژیک است که در همهٔ شرایط برای رسیدن به سطوح عالی برنامه دارد.

کلید واژه: اقتصاد مقاومتی، مولفه های اقتصاد مقاومتی، اهداف نظام اقتصادی اسلام.

[۱۶۷] naji@um.ac.ir استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

[۱۶۸] a.abdollahi۹۰۹۲@gmail.com دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران استکبار جهانی پایگاه خود رادر ایران از دست داد، بنابراین با تحمیل جنگی ناخواسته می‌خواستند این پایگاه را مجددا بدست آورند اما ناکام ماندند. به همین دلیل دست به تحریم علیه ایران اسلامی زدند و هدفشان از این تحریم ها ناکام گذاشتن ایران در رسیدن به شعار واقعی انقلاب یعنی استقلال و رسیدن به خودکفایی است. در این برهه رهبر معظم انقلاب از طرحی به نام اقتصاد مقاومتی نام بردند. ایشان در بیانات خود در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ برای نخستین بار اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده و بیان کردند که ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور پدید بیاوریم. ایشان سال ۱۳۹۰ را سال جهاد اقتصادی، سال ۱۳۹۱ را سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه داخلی، سال ۱۳۹۲ را سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، سال ۱۳۹۳ را سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی نامیدند.

ظاهرا اصطلاح اقتصاد مقاوم اولین بار در سال ۲۰۰۵ پس از محاصره غزه توسط اسرائیل وارد ادبیات اقتصادی جهان شد. با تحریم هایی که اسرائیل بر غزه وارد کرده بود، غزه در امکان صادرات و امکان کشت بسیاری از محصولات کشاورزی محدود شد. و به همین دلیل ضوابط و معیارهای حاکم بر مفهوم اقتصاد مقاومتی شناسایی گردید.

اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تاثیرها می‌باشد و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است همچنین برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تاکید گردد. پس از تشدید تحریم‌ها علیه ایران در سالهای اخیر این شیوه توسط حکومت ایران ترویج می‌شود و در اقتصاد مقاومتی هدف استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریم‌ها با ایجاد کمترین بحران است.

مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را اقتصادی خواندند که در شرایط فشار، تحریم، دشمنی ها و خصومت های شدید می‌تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد و برای چنین اقتصادی ارکانی به این شرح برشمردند:

تحرک و پویایی، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدید زا، تکیه بر ظرفیت های داخلی، همت و مدیریت جهادی، مردم محوری، تامین امنیت اقلام راهبردی و اساسی به ویژه غذا و دارو، کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت، اصلاح الگوی مصرف، فساد ستیزی و دانش محوری.

در نظام اقتصادی اسلامی، تامین رفاه عمومی و زدودن فقر از سطح جامعه و هم چنین رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، مستلزم داشتن اقتصادی شکوفا و در حال رشد است. در واقع یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم سکان هدایت یک جامعه را در دست می گیرد، اقتصاد آن کشور است و هرگونه قدم برداشتن برای اصلاح و بهبود آن می‌تواند به منزله‌ی گام‌هایی در جهت تعالی دیگر بخش‌های جامعه و رفاه حال عمومی و فعالیت اعتلای پایه‌ی نظام و کشور باشد. اقتصاد در دین اسلام یک امر عبادی می باشد زیرا هر عملی که مسلمان انجام می‌دهد، می‌بایست به قصد قربت و صرفا برای عبودیت و بندگی باشد. بنابراین استفاده از واژه‌ی اقتصاد مقاومتی برای تحولات اقتصادی و حرکت به سوی پیشرفت، جلوه‌ای مقدس و عبادی دارد.

خاستگاه اقتصاد اسلامی قلب انسان‌هاست و زمانی اقتصاد اسلامی در جامعه جاری می‌شود که اولا مسئولین و مدیران ارشد از تعالیم قرآن عظیم در جهت احیای ارزش‌های اسلامی به نحو شایسته‌ای بهره گیرند و دوم در باطن خویش، اقتصاد اسلامی را بپذیرند و این تفکر را در عمل به بخش‌های مختلف جامعه القا کنند.

اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری باید در ظرف اقتصاد اسلامی تفسیر شود، زیرا وی در بیانات متعددی به ضرورت در نظر گرفتن مبانی، ارزش ها و دستورهای اسلامی در علوم انسانی و از جمله علم اقتصاد و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأکید کرده است: "یک عده هستند که تصور می کنند می‌شود ملتی مسلمان بود اما به احکام اسلامی عمل نکرد؛ این تصور معنایش جدایی دین از سیاست است؛ معنایش این است که اسمتان مسلمان باشد اما به احکام اسلامی عمل نکنید و نظام بانکداری، اقتصاد، آموزش وپرورش شکل ومحتوای حکومت و ارتباطات فرد و جامعه-تان به خلاف اسلام و طبق قوانین غیراسلامی و حتی ضداسلامی باشد" (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران به مناسبت عید غدیر خم، ۷۴/۲/۲۸).

در این پژوهش، روش کار کتابخانه ای است، که با استفاده از روش توصیفی – تحلیلی با تکیه بر مبانی نظری در پی یافتن پاسخ به این سوال است که آیا اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصادی اسلام جایگاهی دارد، و در پی این است تا با استفاده از اصول و اهداف نظام اقتصادی اسلام برای تحقق اقتصاد مقاومتی قدمی بردارد.

این مقاله در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول پیشینه تحقیق، بخش دوم مبانی نظری شامل تعریف اقتصاد مقاومتی، مولفه های اقتصاد مقاوتی در بیانات رهبری، اهداف نظام اقتصادی اسلام و بخش سوم نتیجه گیری می باشد.

۱.پیشینه تحقیق:

آقا (۲۰۱۱)، طی مقاله ای با عنوان چند معیار مدل برنامه ریزی محصول مبتنی بر اقتصاد مقاومتی: توصیف وضعیت نوار غزه، بیان می کند که از سال ۲۰۰۶ که غزه در محاصره است، شرایطی به وجود آمده که هم صادرات و هم واردات آزاد نیست بنابراین اقتصاد مقاومتی مطرح شد تا بتوان پاسخگوی نیازهای مردم بود.این مقاله یک تحلیل سلسله مراتبی را برای تصمیم گیری طرح کشت برای نوار غزه با توجه به محدودیت های اعمال شده در شرایط تحریم انجام داده است و محصولات مختلف زراعی را رتبه بندی می کند. یافته های این مقاله اهمیت کشاورزی را به عنوان بخش از توسعه پایدار در اقتصاد مقاومتی نشان می دهد. و توصیه می کند که وزارت کشاورزی باید در فرایند کشت از اجرای اصول اولیه کشت سازگار با محیط زیست مطمئن باشد.

بریگاگلیو و همکار (۲۰۱۱)، طی تحقیقی با عنوان رشد و انعطاف پذیری در شرق آسیا و تاثیر آن بر رکود جهانی سال ۲۰۰۹، از اصطلاحی به نام فنریت اقتصادی برای مقابله و ایستادن در برابر شوک های خارجی استفاده می کند. در این مقاله از شاخص رشد با انعطاف پذیری براساس سه مولفهٔ انعطاف پذیری بازار، ثبات اقتصاد کلان و الگوهای رشد استفاده می کند و نشان می دهد که نمرهٔ این شاخص در منطقه شرق آسیا بالاتر از اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا است و به همین دلیل این منطقه نسبت به اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا تاثیر کمتری از رکود جهانی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ گرفته است. این مطالعه نشان می دهد که با دو مولفه ثبات اقتصاد کلان و انعطاف پذیری بازار کشور قادر خواهد بود که در برابر شوک های خارجی بهتر بایستد.

سیف (۱۳۹۱)، اصطلاح فنریت اقتصادی را مطرح می کند و بیان می دارد که این اصطلاح نزدیکترین تعبیر به اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری است. وی فنریت اقتصادی را به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود آثار شوک های برون زای مخرب تعریف می کند. دو راهبرد فنریت اقتصادی شامل مدیریت بهبود و اقدامات تسکینی است که هر دو می‌توانند فنریت اقتصادی ذاتی را ارتقا دهند و هر یک در سه سطح خرد، میانی و کلان قابلیت پیاده سازی دارند. می‌توان الگوی اقتصاد مقاومتی ایران را با چهار مولفه اساسی شامل رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پیشنهاد کرد. راهبردهای فنریت اقتصادی شامل موارد چهار گانه راهبردهای بازدارندگی، راهبردهای خنثی سازی، راهبردهای جذب و ترمیم و راهبردهای پخش و تضعیف است. نکتهٔ مهم این است که در اقتصاد ایران مجموعه ای از همه راهبردهای چهار گانه باید همزمان و متناسب با موارد مختلف به کار گرفته شود.

میر معزی (۱۳۹۱)، با بیان دیدگاه های اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی را از دیدگاه ایشان شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام می داند. وی بیان می کند که در وضعیت تهدید دو تغییر عمده باید رخ دهد: ۱. در بین هدف های نظام اقتصاد اسلامی، هدف استقلال اقتصادی باید در ضمن هدف امنیت اقتصادی قرار گیرد و بر هدف های دیگر اولویت یابد. ۲. جهاد اقتصادی بر مسئولان کشور و مردم واجب شود و از این راه بستر مناسب برای نتیجه بخشی سیاست های کلی استقلال اقتصادی و تبدیل تهدیدها به فرصت ها فراهم می آید.

ممبینی (۱۳۹۱)، پس از ارائه تعریف هایی از اقتصاد مقاومتی، مهمترین مولفه های اقتصاد مقاومتی را با توجه به بیانات رهبری شناسایی می شود. وی بیان می کند که اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه یک چشم انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است، اقتصاد مقاومتی به مفهوم شکوفایی اقتصاد و رفع مشکلات موجود در زیر بخش‌های اقتصادی برای جلوگیری از امتیاز دهی به دشمنان و بهبود سطح رفاه عموم مردم است و این امکان را به جامعهٔ اسلامی می دهد تا همه فشارهای سلطه گران راتحمل کرده و آن ها را پس زند.

حسین زاده بحرینی (۱۳۹۲)، اقتصاد مقاومتی را اقتصادی که مدیریت آن مدیریتی راهبردی و همه جانبه نگر است، تعریف می کند. وی بیان می کند که اصطلاح علمی و پر ظرفیت اقتصاد مقاومتی را نباید با مفهومی ناقص و کوتاه مدتی مثل مقاومت اقتصادی تقلیل داد. در این مقاله بیان می شود که مقام معظم رهبری تلاش می کنند که دیوار

غیرت ملی را در کنار دیوار تعرفه قرار دهند. آستانهٔ پذیرش مردم نسبت به کالای داخلی، برخورداری آن کالا از حداقل معقول و متعارفی از کیفیت است.

محمّدی مقدّم و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی ارتباط بین اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش پرداخته اند. آن ها با استفاده از استراتژی پیمایش، از ابعاد مدیریت دانش، اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی، پرسشنامه ای برای گردآوری اطّلاعات در میان ۱۰۰ نفر از کارآفرینان و صنعتگران شهرک صنعتی سلیمی، واقع در شهر تبریز تهیه کرده اند. برای تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون، استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش دارای رابطه مثبت و معناداری با یکدیگرند. براین اساس، سازمان های دولتی برای گذار از تاخیر در ارائه خدمات و نارضایتی ارباب رجوع، باید ضمن پایبندی به ابعاد اقتصاد مقاومتی، از ابزارهایی چون مدیریت دانش به مثابه بستری برای تشویق گرایش های کارآفرینانه افراد استفاده کنند.

در زمینه اقتصاد مقاومتی تحقیقات زیادی شده است، که در بالا چند مورد از آن ها بیان شد. اما در حوزهٔ اقتصاد اسلامی و جایگاه اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصادی اسلام تحقیقی صورت نگرفته است. به همین دلیل این مقاله به این حوزه پرداخته است.

۲. مبانی نظری

الف. تعریف اقتصاد مقاومتی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران استکبار جهانی پایگاه خود رادر ایران از دست داد، بنابراین با تحمیل جنگی ناخواسته میخواستند این پایگاه را مجددا بدست آورند اما ناکام ماندند. به همین دلیل دست به تحریم علیه ایران اسلامی زدند و هدفشان از این تحریم ها ناکام گذاشتن ایران در رسیدن به شعار واقعی انقلاب یعنی استقلال و رسیدن به خودکفایی است. در این برهه رهبر معظم انقلاب از طرحی به نام اقتصاد مقاومتی نام بردند. ایشان در بیانات خود در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ برای نخستین بار اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده و بیان کردند که ماباید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور پدید بیاوریم.

مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی می گویند: اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیری اش کاهش پیدا کند، یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل های گوناگون خواهد بود کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند (بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۹۱/۶/۲).

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می دهد و اجازه می دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است، یک مطالبهٔ عمومی است. شما دانشجو هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید، بسیار خوب، با زبان دانشگاهی، همین ایدهٔ اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید، حدودش را مشخص کنید (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان ۹۱/۵/۱۶).

در بسیاری از نوشته ها، متاسفانه اقتصاد مقاومتی را به مقاومت اقتصادی تقلیل داده اند. علت حاکم شدن چنین رویکردی در ذهن این دسته از نویسندگان، شرایط زمانی ابداع این اصطلاح است، شرایطی که کشور از لحاظ اقتصادی، دوران سختی را تجربه می کند. اما در واقع اقتصاد مقاومتی یک مدل و نگاه استراتژیک برای رسیدن به سطوح عالی اقتصاد است. از نگاه کسانی که اقتصاد مقاومتی را به مقاومت اقتصادی تقلیل می دهند، اگر از مرحله شدت و عسر عبور کردیم و به یسر و فراخ رسیدیم دیگر اقتصاد مقاومتی لازم نیست و کارایی نخواهد داشت. این تلقی از اقتصاد مقاومتی اشتباه و ناتمام است. در اصل ویژگی و مقوم نگاه استراتژیک، بلندمدت بودن آن است. نزدیک ترین معادل برای اقتصاد مقاومتی عبارت است از اقتصاد استراتژیک یا اقتصاد راهبردی، که از بعضی از فرمایشات مقام معظم رهبری نیز می شود همین استنباط کرد. رهبری در آسیب شناسی که از علل حرکت کند اقتصاد ایران در جهت نیل به اهداف چشم انداز داشته اند، به این جمع بندی رسیده اند که تا زمانی که نوع نگاه کارگزاران اقتصادی و سیاست گذاران و مجریان اصلاح نشود، سرعت و دقت لازم ایجاد نخواهد شد. در سند چشم انداز این گونه آمده است که ایران باید در ۱۴۰۴ در منطقه اول باشد. بعضی کشورها سند چشم انداز خود را به صورت کمی تعریف می کنند. مثلا می گویند در ۲۰۲۰ میلادی باید درآمد سرانه یا صادرات غیرنفتی و ... به فلان عدد برسد. اگر عدد تعیین شد کار آسان است. اما در سند چشم انداز ما عدد و رقم تعیین نشده است. هدف تعیین

شده ما در چشم انداز کمی نیست، رتبی است. بدین معنا که ما قرار گذاشتیم که اول بشویم. اگر بپذیریم که در محیطی زندگی می کنیم که ضرورتاً استراتژیک است و نه در خلأ، آن وقت خیلی راحت می توانیم بگوییم که دشمن هم یکی از عناصر موجود و فعال در محیط برنامه ریزی و فعالیت ماست. تحریم هم یکی از عواملی است که در این مدل هست، اما فقط تحریم نیست، فرصت ها و قوت های فراوانی در این سیستم است، چنانچه تهدیدهای دیگری غیر از تحریم نیز وجود دارد.

آنچه از فرمایشات رهبری می توان فهمید، این است که اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که با توجه به همه قوت ها و ضعف‌های داخلی و خارجی و تهدیدها و فرصت های بیرونی، سناریو سازی کند و برای هر شرایطی برنامه داشته باشد. اگر این گونه نگاه شود، دیگر نمی توان گفت که طول عمر اقتصاد مقاومتی شش ماه، یک سال و ... است. در نگاه استراتژیک به اقتصاد، هنر مدیران این است که تهدید ها را به فرصت تبدیل کنند. پس اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که محیط سنج است و درون و برون را به خوبی می‌بیند و برای شرایطی که هر لحظه ممکن است تغییر کند، واکنش مناسبی دارد (حسین زاده بحرینی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰-۱۴۶).

به عبارتی اقتصاد مقاومتی باید در کوتاه مدت برای عبور از بحران و در بلند مدت برای مقاومت در برابر تهدیدات خارجی طراحی شود. اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه یک چشم انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است، زیرا اقتصاد ایران در سایه تفکر جمهوری اسلامی همیشه آماج حملات دشمنان خواهد بود. اقتصاد مقاومتی به مفهوم شکوفایی اقتصاد و رفع مشکلات موجود در زیر بخش های اقتصادی برای جلوگیری از امتیاز دهی به دشمنان و بهبود سطح رفاه عموم مردم است و این امکان را به جامعه اسلامی می دهد تا همه فشارهای سلطه گران و مستکبران را تحمل کرده و آن ها را پس زند.

ب. مولفه های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری:

مولفه های زیر از بیانات رهبری قابل استخراج است (ممبینی، ۱۳۹۱، ص۳۳):

۱.کارآفرینی

ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معناش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم ها را دور می زنیم، بنده هم یقین دارم، البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تحریمیم. همهٔ این کارهایی که شده است، همهٔ این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته. بنابراین کاری نمی توانند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همهٔ مسئولان ودلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم، که کشور ایران حقیقتا امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند (بیانات رهبری در دیدار با کارآفرینان ۸۹/۶/۱۶).

۲.حرکت براساس برنامه، کوتاه تر شدن زمان اجرای برنامه و پرهیز از تصمیم های خلق الساعه و تغییر مقررات

از زمان باید حداکثر استفاده انجام شود. حرکت براساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیمهای خلق الساعه وتغییر مقررات، جزء ضربه هایی است که به اقتصاد مقاومتی وارد می شود و به مقاومت ملت ضربه می زند (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۹۱/۵/۳).

۳. کاهش اسراف و وابستگی خارج

به نظر ما طرح های اقتصاد مقاومتی جواب می دهد. همین مسئله سهمیه بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه بندی نمی شد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر می رفت. توانستند این را کنترل کنند، که خب امروز در یک حد خیلی خوب هست. تحریم بنزین را در برنامه داشتند، اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد. هدفمند کردن یارانه ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است، که اینها می تواند هم رونق ایجاد کند –در تولید، در اشتغال- و هم موجب رفاه شود، اینها مایه رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین المللی پیدا می کند. این کار باید به انجام برسد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳).

۴. مدیریت مصرف

مسئله مدیریت مصرف یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است، یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانوارها باید به این مسئله توجه کنند، که این واقعا جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است، انسان می تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳).

خیر و صلاح در مصرف به معنی مصرف نکردن یا کم مصرف کردن نیست بلکه به معنی درست و صحیح مصرف کردن است. اسراف در کشور ما به گونه ایست که بنابر آمار منتشره مصرف سرانهٔ آب، انرژی، دارو، نان و سایر مواد غذایی در ایران چندین برابر استانداردهای جهانی است (سنایی فر و همکاران، ۱۳۹۲، ص۱۶۳).

۵. تولید داخلی (حمایت از تولید ملی)

یک بعد دیگر این مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم، این را همه دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند - دستگاه های حاکمیتی، مربوط به قوای سه گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند، همت را بر این بگمارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارکهای معروف خارجی- که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خود نمایی کردن، در زمینه های مختلف دنبال مارکهای خارجی میروند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳).

اگر کشورمان بتواند در تولید ملی به جایگاه و منزلت واقعی خود نایل آید قطعا بسیاری از مشکلات موجود مرتفع خواهد شد، به همین دلیل تولید ملی را می توان یکی از مهمترین ارکان و الزامات اصلی اقتصاد مقاومتی تلقی نمود (سنایی فر و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰).

۶. کاهش وابستگی به نفت

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده ایم. امروز صنایع دانش بنیان از جمله کارهایی است که می‌تواند این خلا را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیتهای گوناگونی در کشور وجود دارد که می‌تواند این خلا را پر کند. همت را بر این بگماریم، برویم به سمت اینکه هرچه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳). تحریم‌های نفتی فرصت مناسبی است که به جای خام فروشی نفت با تبدیل آن به محصولات متنوع، خام فروشی را کم یا قطع نموده و با اعمال سیاست ها و برنامه های هوشمندانه در بخش های مختلف اقتصادی به ویژه در بخش کشاورزی، صنایع دستی و صنعت گردشگری تهدیدات دشمنان علیه نظام مقدس اسلامی را به فرصت تبدیل نماید (سنایی فر و همکاران، ۱۳۹۲، ص۱۰۸).

۷. مردمی کردن اقتصاد (اصل ٤٤ قانون اساسی)

مسئله اقتصاد مهم است، اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزء الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست های اصل چهل و چهارم قانون اساسی که اعلام شد، می تواند یک تحول به وجود بیاورد، و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهائی انجام گرفته و تلاشهای بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد، هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه های دولتی کشور و دستگاه هایی که میتوانند کمک کنند –مثل قوه‌ی مقننه و قوه قضائیه – کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۳/ ۱۳۹۱/۵).

۸.پرهیز از دید کوتاه مدت و زودگذر

ما چهار سال پیش اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم. همهٔ کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می‌توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. شعارهای سال حلقه هایی سال حلقه هایی بود برای ایجاد یک

منظومه کامل در زمینهٔ مسائل اقتصاد. ما اینها را به عنوان شعارهای زود گذر مطرح نکردیم، اینها چیزهایی است که می تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه اقتصاد ساماندهی کند، می تواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳).

۹.مبارزه با مفاسد اقتصادی

واقعا نمی شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم اما با مفاسد اقتصادی مبارزه نکنیم، این واقعا نشدنی است. تصور نشود ما می توانیم سرمایه گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزهٔ با مفاسد اقتصادی. اکثر کسانی که می خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند، حالا یکی دو نفر هم آدمهای ناسالم پیدا می شوند. باید با چشمهای تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید. هم شما مراقبت کنید، هم قوه قضائیه مراقبت کند (بیانات رهبری در دیدار با ریاست جمهوری و هیئت دولت ۱۳۹۱/۶/۲).

۱۰.مدیریت درست منابع ارزی

مسئله منابع ارزی هم مسئله مهمی است. واقعا باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود (بیانات رهبری در دیدار با ریاست جمهوری و هیئت دولت ۱۳۹۱/۶/۲).

۱۱.شرکت های دانش بنیان

ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفا کنیم. یکی از بخش های ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرایطی، اقتصاد مقاومتی است. یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن، دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخشهای مهمی که می تواند این اقتصاد را پایدار کند، همین کار شماست، همین شرکتهای دانش بنیان است، این یکی از بهترین مظاهر و یکی از موثرترین مولفه های اقتصاد

مقاومتی است. این را باید دنبال کرد (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت های دانش بنیان ۱۳۹۱/۵/۸).

اصطلاح اقتصاد دانش بنیان[۱۶۹] نخستین بار به وسیله سازمان مشارکت و توسعه اقتصادی[۱۷۰] مطرح و چنین تعریف شد: اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه قرار می گیرند (میر معزی، ۱۳۹۱، ص۶۴).

دولت موظف است با اتخاذ سیاست های حمایتی از قبیل معافیت مالیاتی و گمرگی، پرداخت وام های کم بهره و بدون بهره و ... بسترهای لازم را برای توسعه روزافزون موسسسات دانش بنیان فراهم کند (سنایی فر و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸).

ج. اهداف نظام اقتصاد اسلامی

نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است که از کتاب، سنت پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و عقل استنباط می‌شود. الگوهای پیش گفته چگونگی پیوند شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی (مردم و دولت) به یکدیگر و به منابع اقتصادی در جهت هدف‌های اقتصادی اسلام را تبیین می‌کنند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص۴۷).

این نظام دارای اهداف زیر است:

۱. حاکمیت سیاسی اسلام: حفظ حاکمیت سیاسی اسلام در روابط سیاسی، اقتصادی و ...، یک اصل اسلامی است و مسلمانان نباید زیر سلطه کفار باشند. از این رو برنامه ریزی های اقتصادی و سیاستگذاریهای دولت، نباید به گونه ای باشد که حاکمیت سیاسی اسلام را خدشه دار کند، زیرا حاکمیت سیاسی از نظر منطقی، مقدم بر سایر امور است، و حرکت در مسیر رهایی از وابستگی اقتصادی، مستلزم وجود استقلال سیاسی است. البته روشن است که حاکمیت سیاسی شرط لازم، و بقای آن منوط به رهایی از وابستگی اقتصادی است (مصباحی و کریمی، ۱۳۷۷، ص ۶۰).

---

[۱۶۹] Knowledge Based Economy(KBE)
[۱۷۰] Organization for Economic Corporation & Development

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه، اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد»[۱۷۱]. بنابراین در مناسبات سیاسی نیز باید برتری اسلام و مسلمین مراعات گردد. قرآن کریم می فرماید: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم ... برای مقابله با دشمنان تا آنجا که می توانید نیرو و اسبهای بسته و آماده فراهم کنید تا به این وسیله دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.»[۱۷۲]

۲. تحکیم ارزشهای اسلامی: در تنظیم امور اقتصادی مسلمین، توجه به ارزشهای اسلامی لازم است و هر برنامه و سیاست اقتصادی که به تضعیف ارزشهای اخلاقی و معنوی جامعه منجر شود، مورد قبول نخواهد بود، بلکه همه ابزارها، اهرم ها و سیاستگذاریهای اقتصادی باید به تقویت و تحکیم این ارزشها بینجامد. اسلام در معاملات به نکات اخلاقی فراوانی سفارش کرده، که مراعات آنها فضای بازار را پاک و باصفا می سازد، مانند توصیه به سهولت در معامله، رضایت به سود کم، فروش به اولین مشتری، مراعات تساوی بین مشتریان، اقالهٔ پشیمان، پرهیز از دروغ و سوگند و تبلیغ بیجا، و اجتناب از آرایش کالا و تقلب و ربا و احتکار و ... (مصباحی و کریمی، ۱۳۷۷، ص۶۱).

کسی حق ندارد از راههای حرام کسب درآمد کند یا با اکراه، طرف مقابل را به معامله ای وادار نماید. قرآن می فرماید: «یا ایها الذین أمنوا لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم ... ای کسانی که ایمان آورده اید اموالتان را در میان خود به باطل نخورید مگر این که داد و ستدی از روی رضایت شما باشد»[۱۷۳].

در اسلام پرداخت زکات و خمس عبادتی است که فرد با رضایت کامل به آن اقدام می کند. به علاوه، قرآن گرفتن زکات را وسیله پاک شدن و تزکیه پرداخت کننده به شمار می آورد. «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها... از اموال آنان زکات بگیر و بدین وسیله آنان را پاک و تزکیه کن»[۱۷۴] هم چنین به انفال کنندگان سفارش می کند که از بهترین اموال خود انفاق کنید تا به «نیکی» دست یابید. « لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون. هرگز به نیکی نمی رسید، مگر آنکه از آن چه که دوست دارید، انفاق کنید»[۱۷۵].

---

[۱۷۱] تذکره الفقها، ج۱، ص ۴۴۶

[۱۷۲] انفال/۶۰

[۱۷۳] نساء/۲۹

[۱۷۴] توبه/۱۰۳

[۱۷۵] آل عمران/۹۲

۳. عدالت اجتماعی: عدالت در همه ابعاد اجتماعی آن مورد نظر اسلام است. با توجه به این هدف، تاکید می‌شود که کلیّه فعالیت‌های اقتصادی در بخش عمومی، خصوصی، داخلی و خارجی باید در راستای تامین عدالت اجتماعی باشد. رشد اقتصادی که تشدید نابرابری را به دنبال داشته باشد و یا باعث تعطیل حکمی از احکام الهی شود، هرگز مورد نظر اسلام نیست. عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی اسلام، از راه مبارزه با فقر و جلوگیری از انباشته شدن بیش از حد ثروت در دست اغنیا تحقق می یابد. (مصباحی و کریمی، ۱۳۷۷، ص۶۱).

۴. استقلال اقتصادی (عدم وابستگی): استقلال به یک معنا توانایی تصمیم گیری براساس مصالح و مفاسد واقعی جامعه است. کشوری که در هر مقطع زمانی بتواند براساس مصالح اقتصادی جامعه تصمیمات مناسبی اتخاذ کند و آنها را به مرحله عمل درآورد، دارای استقلال اقتصادی است و متقابلا کشوری که توان تصمیم گیری براساس مصالح واقعی جامعه خود را ندارد، دارای اقتصادی وابسته خواهد بود، هرچند از نظر فن تولید در سطح بالایی قرار داشته باشد. استقلال در این مفهوم، منافاتی با داشتن روابط اقتصادی با سایر ملل ندارد. مکتب اسلام بر استقلال اقتصادی تاکید دارد (مصباحی و کریمی، ۱۳۷۷، ص ۶۲).

استقلال اقتصادی و شکوفایی آن را می‌توان از آیات قرآن دریافت کرد. از اطلاق برخی آیات و لازمه‌ی برخی دیگر، لزوم استقلال و شکوفایی آن فهمیده می شود، برای مثال آیه‌ی ۱۴۱ سوره‌ی نساء که می‌فرماید:

" و خداوند هرگز بر (زیان) مومنان، برای کافران راه (تسلطی) قرار نداده است." که غالب فقهای بزرگ اسلام، برای نفی هر گونه سلطه‌ی کافران بر مسلمانان به این آیه استناد کرده و مفاد آن را محکم دانسته اند؛ یعنی مسلمانان می‌باید کاری کنند که کفّار به آنان مسلط نشوند و هر عملی که منتهی به سلطه‌ی کفّار شود، نامشروع و از جمله راه‌های سلطه‌ی کفّار بر مومنین، سلطه‌ی اقتصادی است (عبداللهی عابد و همکاران، ۱۳۹۲، ص۹).

متاسفانه در این روزگار، سلطه اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان تحقق یافته است و این واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان است. مطابق مستفاد از این آیه مومنان وظیفه دارند تلاش کنند و خود را از وابستگی ها – از جمله وابستگی اقتصادی – رهایی دهند.

در آیه‌ی دیگری می‌خوانیم:

"اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید"

از این آیه استفاده می‌شود که یکی از لوازم ایمان، بی‌نیازی اقتصادی کفّار و خودکفایی مسلمین است؛ زیرا نیاز همیشه ملازم با ذلّت و اسارت است و امتی که بخواهد عزیز و سربلند زندگی کند، باید خود را از یوغ کفّار آزاد کند (عبداللهی عابد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

«و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه. برای مقابله با آنان (کفار و مشرکان) آن چه می توانید نیرو آماده کنید».[۱۷۶] سیاق آیه نشان می دهد که درباره جنگ است و طبعا مهم ترین نیرو برای مقابله با دشمن نیروی نظامی است. کلمه «قوه» نه تنها وسائل جنگی و سلاح های مدرن هر عصری را در بر می گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی. از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و ... که در مفهوم "قوه" مندرج هستند و نقش بسیار موثری در پیروزی بر دشمن دارند، نباید غفلت کرد. بنابراین نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت بسزایی برخوردار است، به خصوص در جنگ‌های امروزی که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ، در سرنوشت آن، نقش بسزایی دارد (همان، ص ۱۱).

همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است که فرموده سیاه کردن موی صورت (برای پیر مردان) از مصادیق «قوه» در آیه است. «منه الخضاب بالسواد». در روایت دیگری از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: گروهی بر امام حسین (ع) وارد شدند و دیدند که آن حضرت به رنگ سیاه خضاب کرده است. علت آن را پرسیدند، فرمود: رسول خدا (ص) در یکی از جنگ‌ها به مسلمان دستور داد با رنگ سیاه خضاب کنند تا به این وسیله بر مشرکان قوت بگیرند و قویتر بنمایند.

یکی از راههای حصول اقتدار و رشد و شکوفایی و استقلال اقتصادی، مقاوم کردن و قوام بخشی به آن است. از همین جا ضرورت بحث اقتصاد مقاومتی به خوبی روشن می‌شود.

---

[۱۷۶] انفال/۶۰

اگر منافع و مصالح اقتصادی کشوری از سوی دیگر کشورها مورد تهدید قرار گیرد، آن کشور امنیت اقتصادی نخواهد داشت. در این صورت علت ناامنی خارجی است و استقلال اقتصادی یکی از عوامل تحقق امنیت اقتصادی خارجی یا بین‌المللی است. استقلال اقتصادی وقتی حاصل می شود که کشور بتواند منافع اقتصادی خود را آن‌گونه که خود تشخیص می دهد، تعقیب کند. لازمه این استقلال، خودکفایی در کالاهای ضرور و استراتژیک است. جامعه‌ای که در این امور به دشمنان نیازمند است، هیچ‌گاه نمی‌تواند سخن از استقلال به میان آورد. در واقع اگر منافع و مصالح اقتصادی کشوری از سوی دیگر کشورها مورد تهدید قرار گیرد، استقلال و در نتیجه امنیت اقتصادی کشور به مخاطره می افتدو هر چه قدراین تهدید گسترده تر و جدی‌ترباشد این مخاطره بیشتر است. اگر تهدید به حدی برسد که کیان نظام اسلامی به خطر افتد، در این صورت برقراری امنیت اقتصادی از راه دستیابی به استقلال اقتصادی و بی‌نیازی از دشمن اولویت اول را در بین هدف‌های اقتصادی و حتی غیراقتصادی پیدا می‌کند (میر معزی، ۱۳۹۱، ص ۵۵-۵۶).

"امروزه مسئله اصلی کشور ما استقلال است، برادران و خواهران عزیز، انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد. این جرئت را به این ملت داد که در برابر نظام غیرعادلانه سلطه در دنیا بایستد اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض‌اندام فرهنگی را در برابر سلطه‌گران عالم حفظ کند باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند. این ریشه دواندن استقلال در کشور است و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفایی کارف به نوآوری در بخش‌های گوناگون کار از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته تا توی محیط کارگاه‌ها، تا توی محیط مزرعه در همه جا باید نوآوری وجود داشته باشد (بیانات رهبری در دیدار گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان ۸۷/۲/۴)".

۵. اقتدار اقتصادی: اسلام نه تنها بر استقلال اقتصادی تاکید دارد، بلکه خواهان یک اقتصاد توانا و قدرتمند است (مصباحی و کریمی، ۱۳۷۷، ص۶۲).

برای تامین این اقتدار گاهی صحبت از خودکفایی می‌شود. مقصود از خود کفایی این است که جامعه بتواند نیازمندیهای خود را در حد بالایی از رفاه تولید کند و ناگزیر به وارد کردن کالا از خارج نباشد. البته ممکن است

ترجیح دهد بعضی از نیازهای خود را از خارج تامین کند، به این سبب که هزینه تهیه آن در داخل بیشتر می شود و با وارد کردن آنها، این جامعه می تواند امکانات خود را در راه مفیدتری به کار گیرد. در این صورت با خودکفایی ناسازگار نیست، زیرا جامعه قدرت لازم برای تولید آن کالا در دارد. در این تعریف، بیان شده که جامعه ای که توانایی تامین نیازمندی های خود را در سطح عالی رفاه داشته باشد، خودکفاست. زیرا ممکن است کشوری به تولیدات داخلی اکتفا کند ولی وضعیت فقیرانه ای داشته باشد. در این حال آن کشور خودکفا نیست، در خودکفایی، توانمندی و اقتدار نهفته است، جامعه خودکفا، روی پای خود ایستاده است. این ایستادگی بدون وجود حیات و نشاط ممکن نیست. قرآن مجید درباره مومنان به پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «کزرع اخرج شطئه فأزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیفظ بهم الکفار. مانند دانه ای است که شاخ و بال بیرون آورده و (این شاخه ها) او را تقویت کرده و در نتیجه آن گیاه درشت شده، تا آنکه بر ساقه استوار گردیده، بدان گونه که کشاورز را به شگفتی واداشته است (خدا آنان را قوی کرده)، تا به وسیله آنان کافران را به خشم آورد»[۱۷۷]. مفاد این آیه، قدرت یافتن مسلمانان و رسیدن آنان به شکوه و عظمتی است که دشمنان اسلام تاب تحمل آن را ندارند. قطعا باید این اقتدار هم اقتدار سیاسی، هم اقتدار نظامی و هم قدرت اقتصادی و هم توانمندی فرهنگی باشد.

۶. توسعه و رشد: عوامل تامین این هدف را در راهنماییهای اسلام و عمل رهبران بزرگ آن مشاهده می‌شود: الف) اسلام بر فراگیری معلومات و افزایش اطلاعات مسلمانان، سفارش اکید دارد. ب) اسلام بر آباد کردن زمینها و عمران شهرها و مورد استفاده قرار دادن اراضی تاکید فراوان دارد که این بینش از عوامل مهم رشد تولید در یک جامعه است. ج) تاکید بر سرمایه گذاری و پرهیز از راکد گذاردن منابع مالی و امکانات سرمایه ای. د) در اسلام به بهداشت و پیشگیری از بیماریها سفارش اکید شده است. مراعات بهداشت، موجب تقویت نیروی انسانی برای کار و جلوگیری از هزینه های اضافی دارو و درمان می گردد. ه) یکی از عوامی زیربنایی رشد و توسعه، وجود امنیت جانی و مالی برای مردم است. در صورت وجود امنیت، انگیزه کار و فعالیت افزایش می یابد، سلامت روابط اجتماعی و دادوستد برقرار می‌گردد، سرمایه‌گذاری تشویق می‌شود و هزینه های اضافی ناشی از ناامنی از بین می-رود. و) وجود همبستگی و روحیهٔ تعاون و رسیدگی به مشکلات یکدیگر. با وجود این همبستگی، نیروهای موجود

[۱۷۷] فتح/۲۹

در جامعه به کمک یکدیگر، جامعه را به سوی اهداف مورد نظر پیش می‌برند، بهداشت روانی و آرامش روحی افراد فراهم می‌شود و هزینه های اقتصادی و اجتماعی ناشی از اضطراب و فشارهای روحی و درگیری افراد به حداقل می‌رسد. ز) تامین اجتماعی و پی‌جویی رفاه عمومی و رفع نیاز از همهٔ خانوارها. این آیین مقدس، درصدد گسترش رفاه در حد کفاف برای همهٔ افراد جامعه برآمده، و با گرفتن زکات و سایر وجوه شرعی از ثروتمندان، و توزیع آن بین نیازمندان، و با قرار دادن امکانات کار و وسایل فعالیت اقتصادی در اختیار کسانی که توانایی کار دارند، ولی سرمایه لازم را در اختیار ندارند، زمینهٔ گسترش رفاه برای عموم افراد را فراهم می‌سازد (مصباحی و کریمی، ۱۳۷۷، ص ۶۳-۶۵).

هدف غایی این نظام فراهم آوردن زمینه‌های اقتصادی سعادت فرد و جامعه انسانی و هدف‌های میانی آن عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و بارور ساختن استعدادهای طبیعی است. این اصول و اهداف بالا ثابت هستند؛ البته در وضعیت‌های گوناگون از جمله وضعیت تهدید اقتصادی دشمن ممکن است اولویت آنها تغییر کند.

اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت تهدید و فشار اقتصادی دشمن پدید می‌آید. از بیانات مقام معظم رهبری چنین استفاده می شود که دو تغییر عمده باید رخ دهد تا اقتصاد مقاومتی تحقق یابد. نخست اینکه در منظومه هدف هدف‌های نظام اقتصادی اسلام، استقلال اقتصادی در اولویت اول قرار گیرد و به تبع آن اولویت بندی اصول راهبردی نظام تغییر کرده و سیاست های کلی متناسب با تغییرهای جدید تنظیم شود. دوم اینکه جهاد اقتصادی بر مردم و مسئولین به عنوان امر واجب فرض شود (میر معزی، ۱۳۹۱، ص۵۳).

در نظام اقتصادی اسلام جهاد با مال و جان واجب است. اصولا جهاد وقتی واجب می‌شود که کیان اسلام به علت حمله دشمن در خطر باشد. حمله در هر عرصه‌ای باشد جهاد در آن عرصه واجب می‌شود. براین اساس اگر حمله در عرصه اقتصادی باشد جهاد اقتصادی بر همه واجب می‌شود؛ زیرا حفظ کیان اسلام از همه چیز مهم‌تر است. در این صورت است که باید جهاد در راه خدا بر مال، جان، زن، فرزند و هر چیز دیگر مقدّم شود. در غیر این صورت انسان باید منتظر عقاب الهی باشد (همان، ص ۵۸).

۳. جمع بندی و نتیجه گیری:

اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری باید در ظرف اقتصاد اسلامی تفسیر شود، زیرا وی در بیانات متعددی به ضرورت در نظر گرفتن مبانی، ارزش ها و دستورهای اسلامی در علوم انسانی و از جمله علم اقتصاد و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأکید کرده است. از دید ایشان اقتصاد مقاومتی، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت تهدید و فشار اقتصادی دشمن پدید می‌آید.

از بیانات مقام معظم رهبری چنین استفاده می شود که دو تغییر عمده باید رخ دهد تا اقتصاد مقاومتی تحقق یابد. نخست اینکه در منظومه هدف‌های نظام اقتصادی اسلام، استقلال اقتصادی در اولویت اول قرار گیرد و به تبع آن اولویت بندی اصول راهبردی نظام تغییر کرده و سیاست های کلی متناسب با تغییرهای جدید تنظیم شود. دوم اینکه جهاد اقتصادی بر مردم و مسئولین به عنوان امر واجب فرض شود.

می‌توان اجرای کلیّه‌ی مولفه‌های اقتصاد مقاومتی را در سایه‌ی دو هدف مهم نظام اقتصاد اسلامی یعنی استقلال و اقتدار اقتصادی ملاحظه کرد و از آیات قرآن می توان فهمید که یکی از راه‌های حصول اقتدار و رشد و شکوفایی و استقلال اقتصادی، مقاوم کردن و قوام بخشی به آن است. و از همین جا ضرورت بحث اقتصاد مقاومتی به خوبی روشن ومی‌شود. به گفته رهبری نیز امروزه مسئله اصلی کشور ما نیز استقلال است.

متاسفانه در این روزگار سلطه‌ی اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان تحقق یافته است و این واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان و مجهور گزاردن قرآن کریم می‌باشد. مطابق آیات قرآن مومنان وظیفه دارند تلاش کنند و خود را از وابستگی‌ها از جمله وابستگی اقتصادی رهایی دهند. از نظر غالب فقهای بزرگ اسلام هر عملی که منتهی به سلطه کفار شود، نامشروع است. از جمله راههای سلطه کفار بر مومنین سلطه اقتصادی است.

کاهش اسراف و وابستگی به خارج، مدیریت مصرف، مدیریت درست منابع ارزی، در پرتو هدف تحکیم ارزشهای اسلامی و رشد و توسعه نهفته می‌شود. برای تحقق این هدف یک جهاد اقتصادی در بین مردم و مسئولین لازم است. همچنین با کارآفرینی، حرکت براساس برنامه، کوتاه تر شدن زمان اجرای برنامه و پرهیز از تصمیم های خلق الساعه و تغییر مقررات، ایجاد شرکت‌های دانش بنیان، استقلال و اقتدار اقتصادی تامین می‌شود.

کاهش وابستگی به نفت و پرهیز از دید کوتاه مدت و زودگذر، یک اقتصاد پویا و توانمند را رقم می‌زند و منجر به رشد و توسعه و استقلال و اقتدار اقتصادی می‌شود. مردمی کردن اقتصاد نیز با تقویت بخش خصوصی و وارد کردن مردم به میدان با تامین عدالت اجتماعی و ایجاد حاکمیت سیاسی اسلام اجرا خواهد شد.

مبارزه با مفاسد اقتصادی و انجام کار سالم، تحکیم ارزش‌های اسلامی را رقم خواهد زد. همچنین از جمله دستورات اقتصاد مقاومتی، خودکفایی است. مقصود از خود کفایی این است که جامعه بتواند نیازمندیهای خود را در حد بالایی از رفاه تولید کند و ناگزیر به وارد کردن کالا از خارج نباشد. البته ممکن است ترجیح دهد بعضی از نیازهای خود را از خارج تامین کند، به این سبب که هزینه تهیه آن در داخل بیشتر می شود و با وارد کردن آنها، این جامعه می تواند امکانات خود را در راه مفیدتری به کار گیرد. در این صورت با خودکفایی ناسازگار نیست، زیرا جامعه قدرت لازم برای تولید آن کالا را دارد. ممکن است کشوری به تولیدات داخلی اکتفا کند ولی وضعیت فقیرانه ای داشته باشد. در این حال آن کشور خودکفا نیست، در خودکفایی، توانمندی و اقتدار نهفته است، جامعه خودکفا، روی پای خود ایستاده است. این ایستادگی بدون وجود حیات و نشاط ممکن نیست.

فراموش نشود که کلیه‌ی این اقدامات در سایه‌ی حاکمیت سیاسی اسلام رخ خواهد داد.

برای عمل بر طبق اقتصاد مقاومتی (که ثابت شد کاملا مطابق بر اهداف نظام اقتصادی اسلام است) باید اقداماتی صورت بگیرد، از جمله:

۱. مبارزه با فقر و تامین نیازهای هر فرد در پرتو کار خلاق او و ارزش افزوده‌ای که در جامعه تولید می-کند.
۲. آزاد نگه‌داشتن بخشی از وقت هر انسان، برای این که فرصتی مناسب برای خودسازی و رشد انسانی و تعالی معنوی داشته باشد، به تعبیر دیگر در نظام اقتصادی جامعه اسوه تلاش برای نیازمندیهای اقتصادی، نباید همه وقت ملت را بگیرد، بلکه مقداری از آن وقت باید برای خودسازی انسان و رشد معنوی آزاد باشد.

۳. اعتدال در مصرف، مبارزه با اسراف و نفی هر نوع اقتصاد تخریبی نسبت به امکاناتی که خداوند در جامعه برای زندگی انسان‌ها آفریده است.

۴. حفظ آزادی انسان در رابطه با عامل اقتصاد

۵. تاکید بر استقلال اقتصادی جامعه اسوه اسلامی و این که براستی از نظر اقتصادی به روی پا خود بایستد؛ خود تولید کند و متناسب با نیازهای خود مصرف کند. به دیگران وابسته نباشد که وابستگی اقتصادی امروزه زیربنا و ریشه وابستگی‌های دیگر شده است و خود به خود با استقلال جامعه سازگار نیست.

۶. تاکید به تکامل فنی و صنعتی، زیرا پیشرفت‌های صنعتی از جلوه‌های رشد انسان است و هیچگاه نباید مورد غفلت قرار گیرد.

۷. برقراری عدل اقتصادی و گسترش نظام تامین اجتماعی

بنابراین در برنامه ریزی اقتصادی جامعه اسلامی باید به اهداف نظام اقتصادی اسلام توجه شود و اقتصاد مقاومتی مبتنی بر مبانی نورانی قرآن کریم و اهداف نظام اقتصاد اسلامی می‌باشد. به همین دلیل اقتصاد مقاومتی، اقتصادی راهبردی و استراتژیک است که در همهٔ شرایط برای رسیدن به سطوح عالی برنامه دارد.

منابع:

۱. مصباحی غلامرضا، کریمی سید هادی، ۱۳۷۷، مبانی اقتصاد اسلامی، نشر سمت.

۲. عبداللهی عابد، صمد؛ سلمانی بی شک، محمدرضا؛ قبادی قوردلار، مهری؛ ۱۳۹۲، مبانی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و روایات، تبریز، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، دانشکده الهیات.

۳. ممبینی یعقوب (۱۳۹۱)، مولفه ها و شاخص های اقتصاد مقاومتی، مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، ۱۶ اسفند ۱۳۹۱، دانشگاه گیلان.

۴. محمدی مقدم یوسف، ذوالفقاری حسین، علی پور میثم، رسولیان پریسا، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش، فصلنامه مدیریت سازمان های دولتی، سال اول، شماره ۲، بهار۹۲.

۵. حسین زاده بحرینی محمد حسین (۱۳۹۲)، اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه، مشکوة، شماره ۱۱۸.

۶. میر معزی، سید حسین، ۱۳۹۱، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷

۷. بیانات مقام معظم رهبری از سایت: www.khamenei.ir

۸. سنایی فر اکبر، بکتاشیان جلال، جوانی یدالله، قاسمی علی، (۱۳۹۲)، الزامات و ارکان اقتصاد مقاومتی، ناشر: ستارگان درخشان.

۹. میرمعزی، سید حسین، ۱۳۹۰، نظام اقتصادی اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۰. Salah R.Agha,(۲۰۱۱), A Multi Criteria Crop Planning Model Based On the "Resistive Economy" Characterizing the Situation in Gaza Strip, ۸th International Conference On Islamic Economics and Finance

۱۱. Lino Briguglio and Stephen Piccinino, (۲۰۱۱), Growth and Resilience In East Asia and the Impact Of the ۲۰۰۹ Global Recession.